دوفصلنامه علمی ـ پژوهشی مطالعات فقه تربیتی
سال دوازدهم / شماره ۲۳/ بهار و تابستان ۱٤۰٤

Bi-Quarterly Research Scientific Journal in Educational Jurisprudence studies
Year 12 No.23, Autumn & Winter - ۲۰۲۵

شاخص‌های ارزیابی معلمان از منظر فقه تربیتی*

محسن داودآبادی فراهانی **
جواد ابراهیمی***
محمد مهدی ایمانپور سردرودی ****

چکیده

نظام تعلیم و تربیت به‌عنوان رکن حیاتی جامعه، در مسیر رشد و تعالی خود به‌سمت اهداف تعیین شده در حرکت است. یکی از عناصر نظام آموزش و پرورش، «معلم» است که دارای اثرگذاری خاص و نقش کلیدی در این نظام است. نظر به‌اهمیت نقش معلمان در نظام آموزشی و تاثیرات آن بر افراد جامعه، شناسایی ملاک‌های ارزیابی معلمان ضروری می‌نماید. هدف اصلی این پژوهش، بررسی بایسته‌های ارزیابی معلم از منظر فقه اسلامی است. پرسش اصلی این است که از نظر فقه، چه ملاک‌هایی در ارزیابی معلمان باید مورد توجه قرار گیرد؟ روشی که تحقیق حاضر از آن بهره می‌گیرد، روش تحلیلی- اجتهادی است. نتایج تحقیق حاکی از آن است شاخص‌های ارزیابی معلمان در سه بعد «عقیدتی»، «اخلاقی» و «مهارتی» قابل ارائه است. در بعد عقیدتی، شاخص مهم ارزیابی معلم از منظر فقه اسلامی، سلامت عقیده است. این ویژگی در مورد معلمان معارف اسلامی و مربیان

* تاریخ وصول: ۱٤۰۳/۱۲/۲۱؛ تاریخ تصویب: ۱٤۰٤/٤/۱۷. این مقاله با حمایت بنیاد ملی علم ایران از طرح شماره ٤۰۳۵٤٤۱ تدوین شده است.

** دکتری فقه تربیتی جامعة المصطفی| العالمیة و مدرس حوزه علمیه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول).
*** دکترای تخصصی، گروه فقه و علوم تربیتی، مجتمع فقه، جامعة المصطفیﷺ العالمیه، قم، ایران.
j.ebrahimi@cfu.ac.ir
**** دانش‌آموخته سطح ۳ حوزه علمیه قم، قم، ایران. mraur1300@gmail.com

پرورشی موکد است. هم‌چنین از دیگر معیارهای ارزیابی معلمان (از نگاه اخلاقی) می‌توان به‌سلامت اخلاقی و عدم فساد و نیز تواضع، اشاره کرد. شاخص‌های ارزیابی مهارتی معلمان از منظر فقه، شامل رعایت عدالت بین دانش‌آموزان و عدم کتمان علم است.

واژگان کلیدی: معلم، شاخص‌های ارزیابی، سلامت عقیده، سلامت اخلاقی، عدالت، تواضع، کتمان علم.

۱. مقدمه و بیان مسأله

یکی از نظامهای مهم تشکیل شده در یک اجتماع که اثر حیاتی در رشد و پیشرفت آن دارد، نظام تعلیم و تربیت است، که هدف آن آموزش و تربیت عمومی است. هر نظام آموزشی و تربیتی دارای ابعاد گسترده‌ای بوده و شامل عناصر مختلفی از قبیل برنامهٔ درسی، روش‌های آموزشی، معلم، دانش‌آموز، شیوهٔ ارزش‌یابی و... می‌شود (کافمن و هرمن، ۱۳۸۷: ٤٥). عنصر معلم به‌عنوان یکی از ارکان نظام تعلیم و تربیت، نقش کلیدی در به‌ثمر رسیدن اهداف آن دارد. از میان عناصر آموزش و پرورش، شاید هیچ‌یک هم‌سنگ و هم‌طراز «معلم» نباشند، چرا که کارآمدی عناصر دیگر در گرو اراده، دانش و فهم معلم است. بنابراین، لازم است معلم با داشتن ویژگی‌ها و توانایی‌های خاصی، صلاحیت ورود به‌عرصه تعلیم و تربیت را پیدا کند (داودآبادی، ۱۳۹۹: ۹۷).

این تحقیق، بر آن است که شاخص‌های ارزیابی معلم را از منظر فقه تربیتی بررسی و تبیین کند. در قانون گزینش کارکنان دولت (مصوب مجلس شورای اسلامی ۱٤/۰٦/۱۳۷٤)، به‌گونهٔ مختصر به‌ملاک‌ها و ضوابط عمومی گزینش اشاره شده که به‌طور طبیعی این معیارها نه‌تنها در ابتدای ورود کارکنان و از جمله معلمان لازم است احراز شود، بلکه در ادامه هم‌کاری آن‌ها و ارزیابی‌های مستمر سالانه و دوره‌ای نیز باید لحاظ شود، اما مهم‌تر، آن‌که طبق ماده ۸۱ قانون خدمات کشوری در ایران: «دستگاه‌های اجرایی مکلفند براساس آیین‌نامه‌ای که با پیشنهاد سازمان به‌تصویب هیئت وزیران می‌رسد، با استقرار نظام مدیریت عمل‌کرد مشتمل بر ارزیابی عمل‌کرد سازمان، مدیریت و کارمندان، برنامه‌های سنجش و ارزیابی عمل‌کرد و میزان بهره‌وری را در واحدهای خود به‌مورد اجرا گذاشته و ضمن تهیه گزارش‌های نوبه‌ای و منظم، نتایج حاصل را به سازمان گزارش نمایند (https://rc.majlis.ir/fa/law/show/130021).

بنابراین، با نظر به‌وجود تکلیف قانونی برای ارزیابی کارکنان، هر دستگاه، متناسب با نیازمندی‌های آن بررسی و تبیین بیشتر بایسته‌های ارزیابی معلمان از منظر تعالیم اسلامی که نظام جمهوری اسلامی بر مبنای آن تعالیم پایه‌ریزی شده، لازم است. از آن‌جا که دانش فقه اسلامی به عنوان علم بررسی و تعیین احکام شرعی و فقه تربیتی به‌عنوان یکی از شاخه‌های این دانش، شناسایی وظایف مکلفان در عرصه تعلیم و تربیت را به‌عهده دارد (اعرافی، علی‌رضا، ۱۳۹۵: ۳۵). با توجه به اهمیت جایگاه معلمان در نظام آموزشی، شناسایی ملاک‌های ارزیابی معلمان از منظر فقه و تعیین حکم شرعی فعل مسئولان مربوطه در وزارت آموزش و پرورش ضروری می‌نماید. بنابراین، همان گونه که تبیین شد، مساله اصلی در تحقیق پیش‌رو، بررسی فقهی بایسته‌های ارزیابی معلم از منظر اسلام است که با روش تحلیلی و استنباط اجتهادی بررسی و تبیین می‌شود.

۲. مبانی نظری پژوهش

ارزیابی، در لغت به‌معنای عمل یافتن ارزش هر چیز (دهخدا،۱۳۷۸: ۱۳۵٤) و نیز، به‌معنای بهای چیزی را معین کردن، معنا شده است (عمید، ۱۳۸۱،ج۱: ٤۳۲). اولین تعریف ثبت شده از ارزیابی به‌نام رالف تایلر است. وی ارزیابی را وسیله‌ای جهت سنجش میزان رسیدن برنامه به‌اهداف می‌داند. در این تعریف، اهداف به‌تغییرات مطلوب اشاره می‌کند که انتظار می‌رفت در اثر اجرای یک برنامهٔ آموزشی در رفتار فراگیران حاصل آید (سلطانی، ۱٤۰۰: ۳۵).

در ابتدا اشاره کوتاهی به‌دیدگاه‌های متفاوت موافق و مخالف دربارهٔ جایگاه اصل ارزیابی جامع، مناسب است. مخالفان ارزیابی بر این اعتقادند: تمرکز بیش از حد بر ارزیابی عقیدتی و سیاسی، می‌تواند باعث غفلت از ملاحظهٔ سایر صلاحیت‌های مورد نیاز حرفه‌ای و تخصصی داوطلبان معلمی شود. هم‌چنین تلاش نهاد ارزیابی کننده دربارهٔ کشف اعتقادات و افکار داوطلبان، آن‌ها را به‌تفتیش عقاید می‌کشاند. افزون بر این علی‌رغم تلاشی که برای در نظر گرفتن گرایش‌های سیاسی و اعتقادی معلمان انجام می‌شود، اما میان معلمان و سایر شاغلان تفاوت معناداری از ناحیه التزام سیاسی و عقیدتی وجود ندارد. چه‌بسا مشکلات بیشتری در میان آن‌ها به‌چشم می‌خورد. هم‌چنین، هدف از ارزیابی، ایجاد یک سیستم اداری اخلاقی،

کارآمد و سالم و خدمت‌گزار به‌مردم بوده است، اما آنچه در عمل اتفاق افتاده، شکل‌گیری یک سیستم اداریِ ناکارآمد، رانتی و متشکل از پرسنلی ناراضی و منتقد دولت به‌وجود آورده است. در مقابل این دیدگاه می‌توان چنین گفت دلایل مورد اشاره آسیب‌هایی است که بر اجرای نادرست اصل ارزیابی در جامعه وارد است، اما اعمال اصل ارزیابی امروزه در تمام جوامع از ناحیهٔ متصدیان امور، در سطوح مختلف به‌عنوان شیوهٔ عقلایی و متعارف پذیرفته شده است که برای آن سازوکارها و ضوابط لازم در چارچوب اهتمام به‌تحقق اهداف و سیاست‌های نظام‌های حکومتی مختلف در نظر گرفته شده است.

بررسی اجمالی تعالیم اسلامی نشان می‌دهد که برای معلم ویژگی‌های خاصی برشمرده شده و به‌نظر می‌رسد برخی از این ویژگی‌ها در ارزیابی معلم کاربرد بیشتری داشته و یا تبیین خاصی را می‌طلبد که در این تحقیق (با استفاده از نظر خبرگان و اساتید موضوع)، مورد بررسی فقهی قرار می‌گیرد. در ادامه، پس از اشاره‌ای به‌روش و پیشینهٔ پژوهش‌های انجام شده در این موضوع، معیارهای ارزیابی معلم در ابعاد مختلف عقیدتی، اخلاقی و مهارتی ذیل چند عنوان اصلی برشمرده و پس از ذکر دلایل قرآنی و روایی، ذیل هریک از معیارها حکم فقهی آن‌ها بیان می‌شود.

۳. روش پژوهش

پژوهش حاضر به‌لحاظ هدف، کاربردی، از حیث منبع تحقیق کتابخانه‌ای و از حیث روش اجتهادی است. روش اجتهادی، تلاش برای استنباط احکام از منابع اصلی تعالیم اسلامی یعنی قرآن و سنت اهل‌بیت علیهم السلام (و نیز عقل و اجماع) است. در این روش با استفاده از دلالت‌های لفظی وغیر لفظی، مقصود شارع از بیانات او استخراج شده و وظایف مکلفان نسبت به‌این مقصود، مورد بررسی قرار می‌گیرد (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۳: ۵). در این مقاله، پس از مباحث مقدماتی، نوبت به‌جست‌وجوی ادله و گزاره‌های مرتبط در منابع اصلی فقه (نسبت به‌ویژگی‌های لازم برای انتخاب معلمان) می‌رسد. در نهایت پس از تبیین هر یک از ادله، به‌دلالت‌های آن در عرصه انتخاب معلم اشاره می‌شود.

٤. پیشینهٔ پژوهش

در موضوع ارزیابی معلمان پژوهش‌هایی انجام شده که به‌برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود:

وقور کاشانی و هم‌کاران (۱۳۹۸)، در مقاله‌ای با عنوان «طراحی و اعتباریابی مدل مفهومی ارزش‌یابی صلاحیت‌های حرفه معلمی در ایران» به‌این موضوع پرداخته‌اند. نتایج تحقیق، نشان داد مؤلفه‌های ارزش‌یابی از صلاحیت‌های حرفهٔ معلمی، شامل شش مولفهٔ اصلی، و بیست وشش زیرمؤلفه، مشتمل بر شصت‌وسه مفهوم کلی، و دویست و شصت‌وسه مفهوم خرد است. مدل طراحی شده، دارای چهار وجه مبانی فکری، برنامهٔ راهبردی، برنامهٔ نظام‌مند اجرا، نتایج قابل دست‌یابی ارزش‌یابی و مرکز ثقل آن، فرهنگ ارزش‌یابی است .

نویدی‌نیا و هم‌کاران (۱۳۹٤)، به‌تحقیق دربارهٔ «طراحی شناسایی ملزومات و اجزای الگویی برای ارزش‌یابی معلمان زبان انگلیسی، در دبیرستان‌های ایران» پرداخته و اذعان داشتند که دست‌یابی به‌اهداف آموزشی، مستلزم وضع سیستم ارزش‌یابی سیستماتیک و علمی است. در این پژوهش پس از شناسایی و در نظر گرفتن ملزومات طراحی الگوی ارزش‌یابی معلمان الگوی جدیدی برای ارزش‌یابی عمل‌کرد معلمان زبان انگلیسی ارائه شد. برای شناسایی ملزومات و طراحی الگوی مورد نظر، پیشینهٔ مربوط به‌ارزش‌یابی معلمان و تدریس موثر، ملزومات اسناد آموزشی کشور و نظرات معلمان و کارشناسان مربوط، مورد جست‌وجو و بررسی قرار گرفتند.

دانش‌پژوه و فرزاد (۱۳۸۵)، پژوهشی با عنوان «ارزش‌یابی مهارت‌های حرفه‌ای معلمان دورهٔ ابتدایی» انجام دادند. ٤٥ نفر از مدیران مدارس ابتدایی به‌پرسشنامه‌هایی که برای نظرخواهی از آنان در مورد چگونگی مهارت معلمان در تدریس تدوین شده بود، پاسخ دادند. کلاس‌های درس ٤٥ نفر از معلمان نیز سه بار مشاهده و ارزیابی شد. یافته‌ها نشان می‌دهد که در فعالیت‌های آموزشی کلاس درس، به‌هدف‌های مهارتی، کم‌تر از هدف‌های دانشی و نگرشی توجه شده است. معلمان مورد مطالعه در کلیات تدریس از مهارت نسبی برخوردارند، اما در اجزای مهم تدریس با برخی نارسایی‌های جدی مواجهند.

هم‌چنین بررسی فقهی بایسته‌های معلم در موارد زیر صورت گرفته است:

واعظی و موذنی (۱۳۹۳)، به‌تبیین شمول قواعد فقه اسلامی پیرامون حقوق معلم و متعلم

به‌روش توصیفی پرداخته‌اند. یافته‌های پژوهش با استناد به‌هفده قاعده فقهی، اشاره به‌این حقوق از منظر قواعد فقه اسلامی دارد.

جلد هفتم کتاب فقه تربیتی تألیف علی‌رضا اعرافی با توجه تقسیم آداب به‌آداب مشترک معلم و دانش‌آموز و آداب مختص هر یک، تنها آداب مشترک را به‌بحث گذاشته است. هم‌چنین با تقسیم آداب مشترک به‌آداب و ویژگی‌های شخصیتی و آداب مهارتی، تلاش کرده شماری از آداب فضای تعلیم و تعلم را از منظر فقه تربیتی بررسی کند.

مزیت تحقیق حاضر، بررسی فقهی بایسته‌های انتخاب معلمان با روش تحلیلی و استنباط اجتهادی است که تحقیقی مشابه آن یافت نشد.

۵. شاخص‌های ارزیابی معلمان

پس از بررسی ادله و جست‌وجو در منابع فقهی، مهم‌ترین معیارهای ارزیابی معلمان در سه بعد عقیدتی، اخلاقی و مهارتی استخراج شده که در ادامه تبیین می‌شود.

۵/۱. شاخص عقیدتی (سلامت عقیده)

اساس اسلام، ایمان و عقیده اسلامی است که بر اساس معارف اسلامی مبتنی بر شهادت بهٔگانگی خداوند و تصدیق نبوت خاتم پیامبران حضرت محمد (ص) است. ایمان و اعتقاد به‌خداوند مرز شرک و کفر و دینداری است.

سلامت عقیده در اساتید علوم دینی بخاطر اهمیت و تأکیدی که در روایات بر آن شده بصورت مجزا از اساتید علوم غیر دینی در دو بخش مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱-۱-۵- سلامت عقیده در معلمان معارف اسلامی (ایمان به‌خدا و نبوت و ولایت)

۱-۱-۱-۵- روایت اول:

مُحَمَّدُ بْنُ إِدْرِيسَ فِي آخِرِ السَّرَائِرِ نَقْلًا مِنْ كتَابِ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ (ع) قَالَ قُلْتُ لَهُ: إِنَّا نَأْتِي هَؤُلَاءِ هَؤُلَاءِ الْمُخَالِفِينَ فَنَسْمَعُ مِنْهُمُ الْحَدِيثَ فَيكونُ حُجَّةً لَنَا عَلَيهِمْ. قَالَ فَقَالَ: لَاتَأْتِهِمْ وَ لَاتَسْمَعْ مِنْهُمْ؛ لَعَنَهُمُ اللهُ وَ لَعَنَ مِلَلَهُمُ الْمُشْرِكَةَ؛

(وسایل‌الشیعة ج۲۱ ص ٤٧٧) راوی به‌امام صادق (ع) عرض کرد: ما نزد مخالفان شما می‌رویم و احادیثی از آنان می‌شنویم و با آن مطالب حجتی علیه آنان می‌یابیم؛ امام (ع) فرمودند: نزد آنان نروید و از آنان نشنوید! خدا آنان و ملت مشرک آنان را لعنت کند!

سند این روایت، صحیح است؛ زیرا ابان بن عثمان احمر و هارون بن خارجه صیرفی، هردو امامی ثقه‌اند. به‌گونه خلاصه روایت می‌خواهد بگوید که تعالیم دینی را از غیر شیعه نیاموزید.

۲-۱-۱-۵- روایت دوم:

وَ[محمد بن عمر الکشی فی کتاب الرجال] عَنْ حَمْدَوَیهِ وَ إِبْرَاهِیمَ ابْنَی نُصَیرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِیلَ الرَّازِی عَنْ عَلِی بْنِ حَبِیبٍ الْمَدَائِنِی عَنْ عَلِی بْنِ سُوَیدٍ السَّائِی قَالَ کتَبَ إِلَی أَبُوالْحَسَنِ (ع) وَ هُوَ فِی السِّجْنِ وَ اما مَا ذَکرْتَ یا عَلِی مِمَّنْ تَأْخُذُ مَعَالِمَ دِینِک لَاتَأْخُذَنَّ مَعَالِمَ دِینِک عَنْغیر شِیعَتِنَا ...؛ (مجلسی،۱۴۰۳ق، ج۲، :۸۲)راوی می‌گوید: امام کاظم (ع) در نامه‌ای که از زندان برایم ارسال فرمود، چنین نگاشت: «اما دربارۀ این‌که پرسیده بودی معالم دینت را از چه کسی بگیری، بدان که ازغیر شیعه نباید دریافت کنی.«... !

این روایت، ضعیف السند است؛ زیرا محمد بن اسماعیل رازی و علی بن حبیب مدائنی، توثیق ندارند.

۳-۱-۱-۵- روایت سوم:

رجال الکشی: **جبرئیل بن أحمد، عن موسی بن جعفر بن وهب، عن أحمد بن حاتم بن ماهویه قال: کتبت إلیه یعنی أبا الحسن الثالث علیه السلام أسأله عمن آخذ معالم دینی؟ وکتب أخوه أیضا بذلک، فکتب إلیهما: فهمت ما ذکرتما، فاعتمدا فی دینکما علی مسن فی حبنا و کل کثیر القدم فی أمرنا، فإنهم کافوکما إن شاء الله تعالی** (همان). سند این روایت مقبول بوده و روایان آن در کتب رجالی توثیق و توصیف دارند (خویی، ١٤١٨، ج۲: ٦٨ و ج۲۰: ۳۷).

در بیان و توضیح روایات فوق باید گفت که برای معلم تعلیمات دینی در روایات ما شرط شده که از مذهب ما باشد. یعنی معلم دینی باید از لحاظ عقیدتی سالم باشد. امیرالمومنین (ع) نیز روی این موضوع تأکید دارند: «یا کمیل لا تاخذ الا عنا تکن منا؛ اگر تو می‌خواهی از ما باشی از غیر

ما نگیر» (ابن شعبه حرانی، ۱٤۰٤: ۱۹۱). به‌این معنا است که از هر جا علم و دینت را کسب کردی، به‌آنجا متمایل می‌شوی (اعرافی، ۱۳۹۷: ۱٤٥). در سیره و فرمایشات علمای دین نیز اهتمام خاصی به شخصیت معلم و عقاید او دیده می‌شود، به‌ویژه ایشان تأکید دارند که در تعلیم علوم دینی خوف اضلال افراد می‌رود و لازم است از معلم صحیح العقیده استفاده شود (داودآبادی، ۱۳۹۹: ۱۰٦). بنابراین، با توجه به‌آنچه در روایات ذکر شد و سیرهٔ علما، اعتقاد صحیح به دین مبین اسلام، در ارزیابی معلمان دینی و مربیان معارف اسلامی لازم است، منظور شود.

۲-۱-٥- سلامت عقیده نسبت به‌عموم معلمان (علوم غیر دینی)

با توجه به‌روایات و تعالیم فقهی ما، یک ملاک مهم در انتخاب معلم میزان تاثیرگذاری معلم در تمایلات دینی و اخلاقی افراد بوده است.هم‌چنین دو قاعده فقهی مهم و کاربردی در این زمینه، «قاعدهٔ حرمت اضلال» و «قاعدهٔ حرمت اعانه بر اثم» است. توجه به‌سلامت (و عدم فساد) عقیده در معلم، به‌این دلیل است که زمینه‌سازی برای اضلال در افراد نشود. منظور از اضلال ایجاد هر گونه انحراف در اعتقادات، اخلاق و یا رفتار متعلمین است. در جایی که قرار گرفتن یک نفر که به‌لحاظ عقیدتی فساد یا ضعف دارد در جایگاه معلم در تمایلات و رفتار دانش‌آموزان اثر منفی داشته و حتا خوف اضلال برود (امر شبهه‌ناک بوده)، استفاده از این چنین معلمی مرجوح است (همان: ۱۰۲).

از آن‌جا که پیامبر (ص) برای تعلیم سواد به‌مسلمانان از اسیرانی که بت‌پرست بودند، استفاده می‌کردند و در تاریخ نقل شده که ایشان از اسیران غزوهٔ بدر برای تعلیم خواندن و نوشتن به‌یارانشان بهره برده‌اند و هر یک از اسیران اگر ده نفر را آموزش می‌دادند، آزاد می‌شدند (ابن سعد، ج۱: ۲۲). فعل پیامبر (ص) نشان می‌دهد که این عمل یعنی استفاده از معلم کافر، به‌گونهٔ کلی حرام نیست و ملاک همان تاثیرگذاری و تقدم برای تمایل به‌کفار و اضلال مسلمانان است. یعنی در مجموع می‌توان گفت نسبت به‌معلم دانش‌های غیر دینی در صورتی که خوف تمایل شاگردان به‌مذهب او نرود، استفاده از او جایز است. به‌ویژه در علوم که نیاز مبرم جامعه اسلامی است. البته بهتر است محدود و موقت باشد. هم‌چنین در مقام انتخاب میان دو معلم

که از لحاظ تخصصی مساوی هستند، معلم صحیح العقیده اولویت دارد.

البته سلامت و فساد عقیده دارای مراتب است. ممکن است معلم مسلمان ولی دارای انحرافات عقیدتی نسبت به‌ولایت معاد و ... باشد و ممکن است کافر مطلق باشد که به‌قطع در مورد معلم غیر مسلمان (کافر) این احتیاط اشد است با توجه به‌روایاتی که این افراد را نجس می‌داند و یا از تعامل و حشر و نشر با این‌ها نهی کرده است.

۲-۵- شاخص‌های‌های اخلاقی

در این بخش به‌شاخص‌های اخلاقی ارزیابی معلمان در فقه اسلامی پرداخته می‌شود:

۱-۲-۵- سلامت اخلاقی و عدم فساد

در باب بایسته‌های معلم صفات زیادی در منابع دینی ذکر شده است. یکی از ویژگی‌های مهم مورد تأکید در روایات ما یا به‌عبارتی اولین و مهم‌ترین ویژگی معلم خوب، خودسازی و تهذیب نفس معرفی شده است: «**وَ قَالَ (ع): مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَاماً فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غيرهِ وَ لْيَكنْ تَأْدِيبُهُ بِسِيرَتِهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ وَ مُعَلِّمُ نَفْسِهِ وَ مُؤَدِّبُهَا أَحَقُّ بِالْإِجْلَالِ مِنْ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَ مُؤَدِّبِهِمْ**» (نهج البلاغه، قصار ۷۳).

سند این روایت یافت نشد ولی نقل در کتاب شریف نهج البلاغه می‌تواند شاهدی بر اعتبار مقاله باشد.

ممکن است گفته شود که شان صدور این روایات متعلق به‌معلمان و مربیان دینی بوده و لزوم توجه به‌این ویژگی‌ها در مورد ایشان است، ولی، اول این‌که متن روایت اطلاق داشته و شامل همهٔ معلمان می‌شود و دوم این‌که به‌قرینهٔ اثرگذاری و الگو بودن معلمان و اساتید همه رشته‌ها بر دانش‌آموزان و افراد تحت تعلیم خود می‌توان گفت که سلامت اخلاقی برای همهٔ افرادی که به‌نحوی نقش الگویی و رهبری فکری گروهی را به‌عهده دارند، باید به‌عنوان ملاک انتخاب قرار گیرد. هرگاه معلمی از شاخص ارزش‌مند تقوای الهی برخوردار نباشد، چه‌بسا مطالب غیر مناسبی را به‌دانش‌آموزان تعلیم دهد که نه‌تنها موجب رستگاری و نجات ایشان نباشد، بلکه موجبات گمراهی ایشان را نیز فراهم نماید. لذا با توجه به‌اثرگذاری که اساتید

بر دانش‌آموزان دارند سزاوار است در انتخاب این افراد برای جایگاه مهم تعلیم و تربیت به‌این ویژگی‌ها توجه خاصی صورت گیرد (با توجه به‌ملاک تاثیرگذاری منفی مصاحبت معلم با متعلم (و نیز با توجه به‌آیۀ شریفه ۳۲ سوره الاحزاب که می‌فرماید: فلاتخضعن بالقول فیطمع الذی فی قلبه مرض و یا روایت وسایل الشیعه، ج۱٤، باب۱۳۱، ح۳ دربارۀ ابتدا به‌سلام نکردن توسط امیرالمومنین ع نسبت به‌خانمهای جوان) می‌توان گفت که در استفاده از معلم غیر همجنس در صورتی که ضعیف الایمان یا جوان بوده و احتمال اثرگذاری یا اثر پذیری منفی او از مصاحبت با نامحرم زیاد باشد لازم است احتیاط صورت گیرد (داودآبادی، ۱۳۹۹: ۱۱۷).

از آن‌جا که معلم می‌توانند جایگاه دوست و هم‌نشین را برای دانش‌آموزان و متعلمین خود ایفا نمایند و قابلیت اثرگذاری بسزایی در روحیات و رفتارهای متربیان خود دارند روایاتی که تأکید بر سلامت اخلاقی و عدم فساد دوست دارند می‌تواند به‌عنوان شاهدی بر اهمیت این موضوع در معلمان باشد که به‌یک نمونه اشاره می‌شود:

امام صادق علیه السلام: **اَدَّبَنی اَبی بِثَلاثٍ ... ونَهانی عَن ثَلاثٍ: قالَ لی: یا بُنَیَّ مَن یصحَب صاحِبَ السّوءِ لا یسلَم** ... (ابن شعبه حرانی، ۱٤۰٤: ۳۷٦)؛ پدرم مرا به سه چیز ادب آموخت و از سه چیز نهی ام فرمود. سه نکته ادب این بود که فرمود: فرزندم! هرکس با دوست بد بنشیند، سالم نمی‌ماند.

نظر به‌این‌که در این روایت کلمه صاحب آمده که به‌معنای هم‌نشینی است و معلم نیز شامل هم‌نشین شده و حتا گاهی بیش از یک دوست عادی با دانش‌آموز هم‌نشین و همراه است و نیز به‌قرینه روایات دیگر مثل (المرء علی دین خلیله) تاثیرگذاری (ناشی از مصاحبت) بسیار مهم است روایات موکد بر سلامت دوست می‌تواند قرینه‌ای بر لزوم تأکید بر سلامت اخلاقی در ارزیابی معلمان باشد. بنابراین، با توجه به‌روایت اول و تعمیم آن به‌همه معلمان و نیز با استشهاد به‌مجموعه روایات مرتبط با دوست و هم‌نشین می‌توان گفت یکی از ملاک‌های کلیدی در ارزیابی معلمان، سلامت اخلاقی و عدم فساد است.

۲-۲-۵- تواضع

تواضع در اصل، به‌معنا فرونهادن است (مصطفوی، ۱۳٦۰، ج۱۳: ۱۳۰)، و به‌معنای خویش را کوچک نشان‌دادن (راغب اصفهانی، ۱۳۸۸، ج۲: ۴۶۴)، نیز آمده است. مرحوم نراقی در تعریف تواضع می‌گوید: تواضع آن است که انسان، خود را از کسانی که در جاه و مقام از او پایین‌ترند، برتر نداند و نیز به‌معنای شکسته‌نفسی که نگذارد آدمی خود را بالاتر از دیگری ببیند و لازمه آن کردار و گفتاری است که دلالت بر تعظیم دیگران و اکرام ایشان می‌کند (نراقی، ۱۳۹٦: ۳۰۰). برای تبیین این صفت از صفات بایسته معلم، می‌توان به‌روایت ذیل اشاره کرد: «**مُحَمَّدُ بْنُ يحْيى اَلْعَطَّارُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ اَلْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مُعَاوِيةَ بْنِ وَهْبٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اَللهِ عَلَيهِ اَلسَّلاَمُ يقُولُ: اُطْلُبُوا اَلْعِلْمَ وَ تَزَينُوا مَعَهُ بِالْحِلْمِ وَ اَلْوَقَارِ وَ تَوَاضَعُوا لِمَنْ تُعَلمُونَهُ اَلْعِلْمَ وَ تَوَاضَعُوا لِمَنْ طَلَبْتُمْ مِنْهُ اَلْعِلْمَ وَ لاَ تكونُوا عُلَمَاءَ جَبَّارِينَ فَيذْهَبَ بَاطِلُكمْ بِحَقِّكمْ**» (کلینی، ۱٤۰۷، ج۱: ۳٦).

در بررسی سندی این روایت باید گفت که محمد بن یحیی عطار و احمد بن محمد بن عیسی و حسن بن محبوب و معاویه بن وهب همگی ثقه هستند. پس سند روایت معتبر است. در این راستا روایات اهمیت تواضع به‌ویژه برای اهل علم به‌عنوان شاهد اشاره می‌شود:

أ) **وَ بِهَذَا اَلْإِسْنَادِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ رَفَعَهُ قَالَ: قَالَ عِيسَى اِبْنُ مَرْيمَ عَلَيهِ اَلسَّلاَمُ يا مَعْشَرَ اَلْحَوَارِيينَ لِي إِلَيكمْ حَاجَةٌ اِقْضُوهَا لِي قَالُوا قُضِيتْ حَاجَتُک يا رُوحَ اَللهِ فَقَامَ فَغَسَلَ أَقْدَامَهُمْ ... فَقَالُوا كنَّا نَحْنُ أَحَقَّ بِهَذَا يا رُوحَ اَللهِ فَقَالَ إِنَّ أَحَقَّ اَلنَّاسِ بِالْخِدْمَةِ اَلْعَالِمُ إِنَّمَا تَوَاضَعْتُ هَكذَا لِكيمَا تَتَوَاضَعُوا بَعْدِي فِي اَلنَّاسِ كتَوَاضُعِي لَكمْ ثُمَّ قَالَ عِيسَى عَلَيهِ اَلسَّلاَمُ بِالتَّوَاضُعِ تُعْمَرُ اَلْحِكمَةُ لاَ بِالتَّكبُّرِ ... وَ كذَلِک فِي اَلسَّهْلِ ينْبُتُ اَلزَّرْعُ لاَ فِي اَلْجَبَلِ**؛ حضرت عیسی به‌حواریونش گفت مرا با شما حاجتی است؟ گفتند ای پیامبر بگوی؟ عیسی فرمود می‌خواهم پای شما را بشویم و به‌اصرار شروع به‌شستن پای حواریون کرد. آن‌ها گفتند ای پیامبر خدا ما سزاوارتریم که پای تو را بشوییم. فرمود: انسانیت به‌تواضع و خدمت به‌مردم است. این کار را کردم تا تواضع کرده باشم و شما هم تواضع را فرا بگیرید و در بین مردم فروتنی کنید. حکمت با تواضع رشد می‌کند نه با تکبر، چنان که گیاه در زمین نرم می‌روید نه در زمین

سخت کوهستانی (کلینی، ۱٤۰۷، ج۱: ۳۷).

این روایت سند معتبری دارد و در آن به‌معلم جهت تواضع برای شاگردان امر شده است. جالب این است که امام علیه السلام در ابتدا تواضع للمتعلم را مطرح فرموده و سپس از تواضع للمعلم گفته‌اند (اعرافی، ۱٤۰۰: ۹٦)

ب) علی(ع): «من تواضع للمتعلمین و ذل للعلماء ساد بعلمه» (مجلسی، ۱٤۰۳، ج۷۵: ۶)؛ هر معلمی که بر شاگردانش تواضع و فروتنی کند و در برابر دانشمندان خود را کوچک و پایین دست به‌حساب آورد، با دانش خود به‌آقایی می‌رسد.

عبارت «تواضعوا لمن تعلمونه العلم»، دلالت بر وجوب تواضع معلم نسبت به‌دانش‌آموزان دارد. البته طبق روایاتی که به‌عنوان شاهد ذکر شد این امر نسبت به‌معلمان علوم دینی و مبلغان معارف اسلامی آکد است. بر این اساس، معلم باید با پیروی از پیامبران و امامان (ع) در برابر متعلمان خود، نرم‌خو، مهربان و متواضع بوده، از هر گونه رفتار با رنگ و بوی تکبر و خودبزرگ‌بینی و تندخویی به‌جد بپرهیزد. این ملاک در ارزیابی معلمان (و هم‌چنین در آموزش و ارزیابی آن‌ها) لازم است مورد توجه قرار گیرد.

۳-۵- شاخص‌های مهارتی

از بین بایسته‌های مهارتی مهم در ارزیابی معلمان دو ویژگی رعایت عدالت بین دانش‌آموزان و نیز عدم کتمان علم در روایات مورد تأکید زیادی قرار گرفته که در ادامه بررسی و تبیین می‌گردد.

۱-۳-۵- رعایت عدالت در بین دانش‌آموزان

عدل، در لغت و اصطلاح، معانی مختلفی دارد که به‌برخی از آن‌ها اشاره می‌شود: «نهادن هر چیزی به‌جای خود»، «حد متوسط میان افراط و تفریط در قوای درونی» (معین، ۱۳۸۰، ماده عدل)، «به تساوی تقسیم کردن» (معلوف، ۱۳۸۰، ماده عدل)، «رعایت برابری در پاداش و کیفر دادن به‌دیگران، اگر عمل نیک است پاداش، و اگر بد است است کیفر داده شود.» (راغب اصفهانی، ۱۳۸۰: ۳۲۵). «عدل» به‌معنای رعایت حقوق دیگران در برابر ظلم و تجاوز به‌کار

می‌رود. از این‌رو عدل را به‌معنا «اعطاء کل ذی حقٍ حَقَّه» گرفته‌اند. برخی در معنای عدل توسعه داده‌اند و آن را به‌معنای «هر چیزی را در جای خود نهادن یا هر کاری را به‌وجه شایسته انجام دادن» به‌کار برده‌اند (فوادیان‌دامغانی، ۱۳۸۲: ۲۷).

عدل و ظلم، در واقع دو مفهوم ارزشی و متوقف بر ارزش یک‌دیگر هستند. ظلم ناظر به‌حق دیگران است اما در تعریف عدل، از حق دیگران سخن به‌میان نیامده ولی با توجه به‌این که عدل مخالف ظلم است، حق دیگران در عدل نیز دخیل است. از این رو می‌توان گفت: محققان با تحلیل مفهوم لغوی عدل و ظلم به‌آن رسیده‌اند و آن «وَضْعُ الشَّیءِ فی مَوْضِعِه» در مورد عدل و «وَضْعُ الشَّیءِ فی غیر مَوْضِعِه» در مورد ظلم است (اعرافی، ۱۳۹۹: ۱۲۸).

۲-۳-۵- ادله عام عدالت

«اِنَّ اللهَ یَأْمُرُ بِالْعَدْلِ و الاْحْسانِ و ایتایَ ذِی الْقرْبی وَ یَنْهَی عَنِ الفحشاءِ و المُنْکَرِ وَ الْبَغْیِ یَعِظُکُمْ لَعَلکُمْ تَذَکَّرونَ؛ نحل/سوره۱۶، آیه۹۰. خداوند به‌عدل و احسان و بخشش به‌نزدیکان فرمان می‌دهد. و از فحشاء و منکر و ستم، نهی می‌کند، خداوند به‌شما اندرز می‌دهد شاید متذکر شوید».

«اِن اللّه یامربالعدل...» (نحل /۹۰).

اعدلوا هواقرب للتقوی (مائده /۸).

امیرالمومنین علی علیه السلام در وصف بیزاری خود از ظلم و ستم می‌فرماید: **«وَ اللهِ لاَنْ أَبِیتَ عَلَی حَسَکِ السَّعْدَانِ مُسَهَّداً، أَوْ أُجَرَّ فِی الْاَغْلاَلِ مُصَفَّداً، أَحب إِلَی مِنْ أَنْ أَلْقَی اللهَ وَ رَسُولَهُ یَوْمَ الْقِیَامَةِ ظَالِماً لِبَعْضِ الْعِبَادِ، وَ غَاصِباً لِشَیْء مِنَ الْحُطَامِ، وَ کَیْفَ أَظْلِمُ أَحَداً لِنَفْس یُسْرِعُ إِلَی الْبِلَی قُفُولُهَا، وَ یَطُولُ فِی الثَّرَی حُلُولُهَا؟!**؛ سوگند به‌خدا اگر تمام شب را بر روی خارهای سعدان به‌سر ببرم و یا با غل و زنجیر به‌این سو و آن سو کشیده شوم، خوش‌تر دارم تا خدا و پیامبرش را در روز قیامت، در حالی ملاقات کنم که به‌بعضی از بندگان ستم، و چیزی از اموال عمومی را غصب کرده باشم.(نهج البلاغه، خطبه ۲۲٤).

امام باقر (ع) نقل شده که فرمود: **«ما مِنْ أَحَد یظْلِمُ بِمَظْلَمَة إلاّ أَخَذَه اللهُ بِها فی نَفْسِهِ**

وَمالِهِ» (کلینی، ۱٤۰۷، ج۱: ۳۳۲)؛ هیچ کس به‌دیگری ستم نمی کند مگر این که خداوند انتقام او را در جان یا مال او خواهد گرفت.

در مورد دلالت ادلهٔ عام عدالت باید گفت که در آیات قرآن کریم با صیغه امر (اعدلوا) و نیز ماده امر (ان الله یامر بالعدل) به‌رعایت عدالت به‌گونه عام دستور داده شده که دلالت بر وجوب دارد (اعرافی، ۱۳۹۹: ۱۳۱). روایات اهل‌بیت نیز در سطوح مختلف (فردی و اجتماعی) و با عبارات متفاوت (توصیفی و انشایی) به‌اهمیت و ضرورت رعایت عدالت اشاره داشته و هم‌واره به‌نهی از ظلم و بیان عاقبت شوم ظلم به‌دیگران پرداخته‌اند. در مجموع از ادلهٔ قرآنی و روایی ما وجوب عدالت‌ورزی و نیز حرمت ظلم در همه عرصه‌های فردی، اجتماعی و حکومتی برداشت می‌شود.

۳-۳-۵- ادله خاص عدالت در تعلیم و تربیت

برقراری عدالت بین متعلمان و متربیان به‌گونهٔ خاص در روایات ما اشاره شده است:

۱-۳-۳-۵- روایت:

«عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ اَلْبَرْقِی عَنْ أَبِیهِ عَنْ عَبْدِ اَللهِ بْنِ اَلْمُغِیرَةِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَیدٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اَللهِ عَلَیهِ اَلسَّلاَمُ: فِی هَذِهِ اَلآیةِ: «وَ لا تُصَعِّرْ خَدَّکَ لِلنّاسِ» قَالَ لِیکنِ اَلنَّاسُ عِنْدَکَ فِی اَلْعِلْمِ سَوَاءً» طلحه بن زید در تفسیر آیه «و لا تصعر خدک للناس» از امام صادق(ع) نقل می‌کند که آن حضرت فرمود: باید همه مردم هنگام تعلیم در نزد تو مساوی باشند. یعنی باید همه مردم از لحاظ دریافت‌های علمی در دیدگاه تو، مساوی و برابر باشند و باید سهم و بهره از علم را به‌طور مساوی به‌آن‌ها بپردازی و در میان آن‌ها تبعیض روا نداری (کلینی، ۱٤۰۷، ج۱، ص۴۱).

در بررسی سندی این روایت باید گفت که منظور از عده من اصحابنا علی بن ابراهیم است که امامی و ثقه است. با توجه به‌این‌که محمد بن خالد برقی (پدر احمد) براساس مبنای رجالی متخذ در این تحقیق از اجلاء و معتبر بوده و بقیه روات این حدیث نیز امامی و ثقه هستند در مجموع سند روایت معتبر است.

همچنین با توجه به‌این‌که پدر و معلم هر دو نقش تربیتی دارند می‌توان از روایاتی که به‌پدر و مادر برای رعایت عدالت بین فرزندان امر می‌کند به‌عنوان شاهد استفاده کرد. در ادامه به‌عنوان نمونه چند مورد ذکر می‌شود:

أ) پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید:«**اعدلو بین اولادکم کما تحبون ان یعدلوا بینکم**» (طبرسی، ۱۳٦۸: ۲۲۰؛ مجلسی، ۱٤۰۳، ج۲۳: ۱۱۳) بین فرزندان خود به‌عدالت رفتار نمایید همان طور که دوست دارید دیگران با شما به‌عدالت رفتار کنند.

ب) در روایتی دیگر از پیامبر اکرم(ص) آمده «**ساووا بین أولادکم فی العطیه**» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸٤، ج۹: ۲۹۰)؛ در هدیه دادن بین اولاد خود مساوی برخورد نمایید.

ت) رسولُ الله صلی الله علیه و آله: «**اِتَّقُوا الله ـ واعدِلوا فی أولادِکم**» (کنز العمال، حدیث ٤٥۳٤۰ به‌نقل از محمدی ری‌شهری، ۱۳۸٤، ج۱۳: ۷۱۰۲)؛ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از خدا بترسید و میان فرزندانتان به‌عدالت رفتار کنید.

ث) عنه صلی الله علیه و آله: «**إنّ لَهُم علَیک مِن الحَقِّ أن تَعدِلَ بَینَهُم، کما أنَّ لک علَیهِم مِن الحَقِّ أن یبَرُّوک**» (کنز العمال، حدیث ٤٥۳٥۸ به‌نقل از محمدی ری‌شهری، ۱۳۸٤، ج۱۳: ۷۱۰۲).

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: حق آنان (فرزندانت) بر تو این است که میانشان به‌عدالت رفتار کنی، چنان که حق تو بر آنان این است که از تو اطاعت کنند.

ج) هم‌چنین امیرالمومنین علیه السلام در توصیه‌های خود به‌محمد بن ابی بکر می‌فرمایند: **و آس بینهم فی اللحظة و النّظرة، حتی لا یطمع العظماء فی حیفک لهم، و لا ییاس الضعفاء من عدلک علیهم.**

در نگاه و نیم نگاه و خیره شدن به‌مردم به‌تساوی رفتار کن تا بزرگان در ستمکاری تو طمع نکنند، و ناتوان‌ها از عدالت تو مایوس نگردند (نهج‌البلاغه، نامه ۲۷؛ ابن شعبه حرانی، ۱٤۰٤: ۱۷۷-۱۷٦).

در جمع‌بندی رعایت عدالت باید گفت پس از بررسی اجمالی ادلهٔ عام قرآنی و روایی عدالت، وجوب عدالت‌ورزی و حرمت ظلم مشخص گردید و نیز ادلهٔ خاص روایی اشاره‌ای

به‌لزوم عدالت‌ورزی توسط معلم بین شاگردان (متربیان یا دانش‌آموزان) داشت که البته به‌علت قوت ادله عام بررسی دقیق دلالی و سند روایات خاص این موضوع ضرورت پیدا نکرد (داودآبادی و دیگران، ۱٤۰۰: ۹۹۵) به‌گونه کلی براساس ادله و نیز براساس قول فقها و اندیشمندان اسلامی یکی از اصول تربیت اسلامی اصل عدالت است (رک: اعرافی، ۱۳۹۵: ۱٤۳). به‌این معنا که مربی یا والدین باید بین متربیان و یا فرزندان به‌عدالت رفتار کنند تا بتوانند بهتر و سریع‌تر به‌اهداف تربیتی خود دست یابند (حسینی زاده، ۱۳۹۵: ۲۱۹).

همان گونه که قبلا هم اشاره شد، عدالت به‌دو معنا به‌کار رفته است: قسط و حق به‌حق‌دار دادن و مساوات. حال این سوال مطرح است که اگر عدالت از اصول تربیتی است، عدالت، به‌معنای قسط مراد است یا عدالت به‌معنای مساوات؟ یعنی آیا اصل عدالت از اصول تربیتی است یا اصل مساوات؟ اگر اصل عدالت از اصول تربیتی است، این اصل عام است، یا در فرزندان اصل دیگری به‌نام اصل مساوات مطرح است؟ (حسینی زاده، ۱۳۹۵: ۲۳۵؛ لشکری، ۱۳۹۵: ۱۲٦). به‌گونهٔ کلی در این‌جا عدالت دو محور اصلی دارد که یکی از آن‌ها توجه به‌استعدادها و شایستگی‌های فردی و اجتماعی به‌عنوان یکی از فروع اصل عدالت در آموزش است. هم‌چنین برقراری مساوات در توزیع فرصت‌ها و امکانات آموزشی نیز از فروع عدالت می‌تواند باشد (واعظی، ۱۳۸۸: ۱۳۵). مساوات تمام معنای عدالت نیست، بلکه از زیرمجموعه‌های آن است و در همهٔ امور مساوات، مساوی عدالت نیست چرا که عدالت به‌معنای اعطاء کل ذی حق حقه است.

بر اساس فرع اول، معلم باید به‌استعدادهای تک تک افراد توجه نماید و در بحث تلاش برای شکوفاسازی استعدادهای دانش‌آموزان شایستگی‌های فردی و میزان تلاش افراد مدنظر قرار گیرد. به‌عبارت دیگر، معلم بایستی بتواند شرایط لازم را برای به‌کارگیری حداکثر استعدادهای دانش‌آموزان در رشد و ارتقای تحصیلی و... فراهم نماید (ترکاشوند و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۵).

فرع دیگر عدالت معلم، برخورداری همه دانش‌آموزان از محبت و توجه عمومی معلم است.

یعنی بر معلم واجب است در جریان تعلیم و تربیت رسمی و عمومی به‌همه دانش‌آموزان به‌عنوان متربیان خود به‌یک چشم نگاه کنند و شرایط تربیت را به‌گونه‌ای فراهم کنند تا همه متربیان بتوانند حداکثر استعدادهای خویش را شکوفا سازند. البته این وجوب برای معلم دولتی که از بیت‌المال ارتزاق می‌کنند آکد است، چرا که معلم به‌عنوان کارگزار نظام اسلامی باید وقت و توان علمی خود را عادلانه بین دانش‌آموزان تقسیم نماید.

٤-٣-٥-عدم کتمان علم

کتمان، در لغت به‌معنای مخفی‌سازی و پوشاندن است (ابن فارس، ١٤٠٤، ج٥: ١٥٧). به‌گونه‌ای که نقیض اعلان دانسته شده است (فراهیدی، ١٤١٤، ج٥: ٣٤٣)؛ هم‌چنین در تعریف کتمان می‌توان گفت: کتمان در مقابل ابداء و آشکار ساختن است یعنی مخفی کردن آنچه در درون و قلب است (مصطفوی، ١٣٦٠، ج١٠: ٢٣).

در تعالیم دینی به‌موضوع کتمان علم اشاره شده و مورد نهی قرار گرفته است. در ادامه به‌برخی از روایات این موضوع اشاره می‌شود:

أ) **عَلِی بْنُ إِبْرَاهِیمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی بْنِ عُبَیدٍ عَنْ یونُسَ بْنِ عَبْدِ اَلرَّحْمَنِ عَمَّنْ ذَکرَهِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اَللهِ عَلَیهِ اَلسَّلاَمُ قَالَ: قَامَ عِیسَی اِبْنُ مَرْیمَ عَلَیهِ اَلسَّلاَمُ خَطِیباً فِی بَنِی إِسْرَائِیلَ فَقَالَ یا بَنِی إِسْرَائِیلَ لاَ تُحَدِّثُوا اَلْجُهَّالَ بِالْحِکمَةِ فَتَظْلِمُوهَا وَ لاَ تَمْنَعُوهَا أَهْلَهَا فَتَظْلِمُوهُمْ**» امام صادق علیه السلام فرمودند: روزی عیسی بن مریم علیه السلام بنی اسراییل را مورد خطاب قرار داده و گفتند: ای بنی اسراییل با جاهلان با حکمت سخن نگوئید که به‌حکمت ظلم می‌کنید و حکمت را از اهل آن منع نکنید که به‌اهل حکمت ظلم می‌کنید (کلینی، ١٤٠٧، ج١: ٤٢).

ب) رسولُ الله ـ(ص): «**تَناصَحوا فِی العِلمِ، و لا یکتُمْ بَعضُکم بَعضا ؛ فإنَّ خِیانَةً فی العِلمِ أشَدُّ مِن خِیانَةٍ فِی المالِ**؛ در علم با یک‌دیگر یکرنگ باشید و دانش خویش را از هم پنهان مدارید؛ زیرا خیانت در علم، بدتر از خیانت در مال است» (مجلسی، ١٤٠٣، ج١٧: ٦٢).

ت) «**مَنْ کَتَمَ عِلْماً نَافِعاً أَلْجَمَهُ اللهُ یوْمَ الْقِیامَةِ بِلِجَامٍ مِنْ نَارٍ**؛ هر که علم سودمندی را کتمان کند خداوند در روز قیامت لگامی از آتش به‌او می‌زند» (مجلسی، ١٤٠٧، ج٢: ٧٨).

ث) «**ان الله لم یاخذ علی الجهال عهدا بطلب العلماء عهدا ببذل العلم للجهال لان العلم قبل الجهل**» (کلینی، ۱٤۰۷، ج۱: ٤۱).

ج) «**ما اخذ الله علی الجهال ان یتعلموا حتی اخذ علی العلماء ان یعلموا**» (مجلسی، ۱٤۰۳، ج۲: ۷۸)؛ علی علیه السلام می‌فرماید: خدا از جاهلان برای آموختن پیمان نگرفته تا این‌که از علماء پیمان گرفته که به‌دیگران بیاموزند. روایاتی که زکات علم را آموزش به‌دیگران می‌دانند نیز می‌تواند به‌عنوان شاهد باشد. مثل این روایت: **زکاه العلم ان تعلمه عبادالله** (کلینی، ۱٤۰۷، ج۱: ٤۱).

در جمع‌بندی دلالی آیات و روایات حرمت کتمان چند نکته شایان ذکر است:

أ) در آیات ۱۷٤ سوره شریفه بقره و روایت مذکور مانند: «**مَنْ کتَمَ عِلْماً أَلْجَمَهُ اللهُ بِلِجَامٍ مِنَ النَّارِ**» (جبل عاملی، ۱٤۰۹: ۱۳٦) به‌کسانی که آیات الهی را کتمان می‌نمایند، وعده عذاب داده شده و مورد لعن و نفرین خداوند قرار دارند. لعن مفید حرمت است و نشانگر آن است که فعل کتمان کنندگان گناه کبیره است. در نتیجه، وجود نهی صریح در آیات و روایات و وعده عذاب الهی در آن‌ها، دلالت بر حرمت کتمان علم دارد. البته با توجه به‌تناسب حکم و موضوع چنین عذابی متعلق به‌کتمان آیات الهی و معالم دین است و یا علمی که احقاق حق مهمی به آن رهین باشد و بعید است که کتمان علوم غیر مهم چنین عذابی را در پی داشته باشد. هم‌چنین می‌توان گفت که به‌میزان اهمیت و جایگاه هر علمی عذاب کتمان آن دارای مراتب مختلفی است.

ب) در آیات قرآن کریم حق (حقیقت) و نیز هر آنچه از آیات و بینات نازل شده توسط خداوند در کتاب‌های آسمانی متعلق حرمت کتمان است. بنابراین، موضوع این حکم به‌علوم دینی و معارف الهی برمی گردد. هرچند کلمه حق اطلاق دارد اما به‌قرینه آیات دیگر می‌تواند فهمید حقایق مرتبط با آن‌ها مربوط می‌شود.

ت) نهی در روایات کتمان علم اطلاق دارد و شامل هر عالم دارای هرگونه علمی می‌شود بنابراین، این نهی شامل معلم در رشته‌های مختلف می‌شود. یعنی جایز نیست معلم، علوم خود را از دانش‌آموزان (کسانی که اهلیت دارند) کتمان کنند و لازم است در حد وسع خود آخرین یافته‌های علمی خود را به‌دانش‌آموزان ارائه دهند.

ث) کتمان علم دو نوع است ابتدایی و در مقام پاسخ. اطلاق آیات و روایت حرمت کتمان

هر دو نوع را شامل می‌شود. زیرا خداوند از اهل کتاب (در این‌جا شامل مسلمانان هم می‌شود) بر تبیین و عدم کتمان کتاب الهی میثاق گرفته است (مولودی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۵۹).

ج) وجوب اظهار حق، نسبت به‌روش‌های رسمی و غیر رسمی، مستقیم و غیر مستقیم، اظهار با ابزار و بدون آن و نیز نسبت به‌بهره‌وری از تدریس، تبلیغ و ... شمول دارد. البته ادله حرمت کتمان نسبت به‌تعلیم جاهل اخص است و لزوما وجوب تعلیم جاهل در همه موضوعات را اثبات نمی‌نمایند. قدر متیقن از وجوب تعلیم جاهل، اعتقادات واجب و احکام الزامی و آیات قرآنی است. ولی با توجه به‌روایات شامل موارد دیگر هم می‌تواند باشد.

٦. نتیجه‌گیری و پیشنهاد

در این تحقیق شاخص‌های ارزیابی معلم از منظر فقه اسلامی با روش تحلیلی- اجتهادی مورد بررسی قرار گرفت. پس از بررسی منابع اسلامی در موضوع پژوهش این نتیجه حاصل شد که شاخص عقیدتی ارزیابی معلم از منظر تعالیم اسلامی سلامت عقیده است البته این ویژگی در مورد معلمان دروس معارف اسلامی و مربیان پرورشی دارای تأکید بیشتری است. هم‌چنین شاخص اخلاقی ارزیابی معلمان، سلامت اخلاقی و عدم فساد و نیز تواضع، است. از لحاظ مهارتی شاخص ارزیابی؛ رعایت عدالت بین دانش-آموزان و عدم کتمان علم از منظر فقه مورد تأکید است.

در این‌جا مناسب است یادآوری شود که تحقق معیارهای ارزیابی به‌عنوان شرط لازم تصدی معلمی امری لازم است مستمر باشد نه موقتی؛ بنابراین، این ملاک‌ها در تربیت و ارزیابی معلمان مورد توجه بوده و در صورت فقدان شرایط در معلم در حین تصدی این شغل، لازم است این مساله مورد اهتمام و پیگیری مسئولین مربوطه قرار گیرد. با این وصف پیشنهاد می شود ملاک‌ها اولویت بندی و درجه بندی شده به‌نحوی که تعیین گردد که فقدان برخی از ملاک‌ها یا درجاتی از آن‌ها در هر یک از معلمان موجب سلب تصدی این مقام شود و در صورت فقدان برخی دیگر یا درجات پایین‌تر برخوردهای اصلاحی مناسب صورت گیرد.

منابع

* قرآن کریم.

* نهج البلاغه.

۱. ابن سعد –محمد بن سعد بن منیع–، **الطبقات الکبری**، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱٤۱۰ق.

۲. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، **تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله**، قم: جامعه مدرسین، چاپ دوم، ۱٤۰٤.

۳. ابن فارس، احمد، **معجم مقاییس اللغة**، عبدالسلام محمد هارون، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱٤۰٤ق.

٤. اعرافی، علی‌رضا، **فقه تربیتی**، ج۱، آداب مشترک تعلیم و تعلم، قم: مؤسسه اشراق و عرفان، ۱۳۹۵.

۵. اعرافی، علی‌رضا، **فقه تربیتی**، ج۷، آداب مشترک تعلیم و تعلم، قم: مؤسسه اشراق و عرفان، ۱۳۹٦.

٦. اعرافی، علی‌رضا، **فقه تربیتی**، ج۲٦، وظایف حکومت در تعلیم و تربیت، قم: مؤسسه اشراق و عرفان، ۱۳۹۹.

۷. اعرافی، علی‌رضا، **فقه تربیتی**، ج۸، آداب تعلم، قم: مؤسسه اشراق و عرفان، ۱٤۰۰.

۸. پورعلی، نسرین و اکبرپور زنگلانی، محمدباقر، «**بررسی ویژگی‌های معلم اثربخش در نظام آموزه‌های اسلامی**»، دومین کنفرانس بین المللی علوم تربیتی، روانشناسی، مشاوره، آموزش و پژوهش، تهران، ۱۳۹۹.

۹. ترکاشوند، سینا؛ کشاورز، سوسن؛ اکبر، صالحی و محمدحسن میرزامحمدی، «ارائه الگوی نظری عدالت تربیتی در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی براساس مبانی معرفت‌شناختی عدالت فارابی»، **مسایل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی**، سال سوم، شماره ۹، ۱۳۹۷.

۱۰. جبل عاملی، زین الدین بن علی، **منیه المرید فی آداب المفید و المستفید**، جلد اول، قم، انتشارات دفترتبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱٤۰۹ق؛

۱۱. حسینی زاده، سیدعلی، «اصل تربیت اسلامی چیست: عدالت یا مساوات؟»، **مطالعات فقه تربیتی**، دوره ۳، شماره ٦، پاییز و زمستان ۱۳۹۵.

۱۲. خویی، سید ابوالقاسم، **معجم رجال حدیث**، قم: مؤسسة الخویی الإسلامیة، ۱٤۱۸.
۱۳. داودآبادی، محسن، **الگوی آموزش عالی در فقه تربیتی**، پایان نامه دکتری فقه تربیتی، جامعه المصطفی العالمیه (ص)، ۱۳۹۹.
۱٤. داودآبادی، محسن، مهدی رعایایی و مجید طرقی اردکانی، بررسی قاعده فقهی عدالت در ارزش‌یابی آموزشی (با تأکید بر آموزش عالی)، **نشریه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی**، دوره ۲۵، شماره ۸۹، زمستان ۱٤۰۰.
۱۵. دانش‌پژوه زهرا و فرزاد، ولی اله، ارزش‌یابی مهارت‌های حرفه‌ای معلمان دوره ابتدایی، **نشریه نوآوری‌های آموزشی**، دوره۵، شماره۱۸، ۱۳۸۵.
۱٦. دهخدا، علی اکبر، **لغت‌نامه دهخدا**، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۸.
۱۷. دیالمه، نیکو، «شناسایی مؤلفه‌های شایستگی اساتید اثربخش از منظر آموزه‌های اسلامی (روی‌کردی به‌دانشگاه انقلاب اسلامی)، **مدیریت در دانشگاه اسلامی**، دوره ۸، شماره ۱۸، پاییز و زمستان ۱۳۹۸.
۱۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، **مفردات الفاظ قرآن**، ترجمه سیدغلامرضا خسروی حسینی، چهارم، تهران: مرتضوی، ۱۳۸۸.
۱۹. سلطانی، مسعود، **ارزیابی عمل‌کرد: شاخص‌های ارزیابی، شناسایی نواقص، اجتناب از خطاهای مرسوم**، تهران: آریانا قلم، ۱٤۰۰.
۲۰. طبرسی، حسن بن فضل، **مکارم الاخلاق**، قم: شریف رضی، ۱۳٦۸.
۲۱. طیب، سیدعبدالحسین، **اطیب البیان فی تفسیر القرآن**، تهران: انتشارات اسلام، دوم، ۱۳۷۸.
۲۲. عاملی، زین الدین بن علی، شهید ثانی، تصحیح رضا مختاری، **منیة المرید فی أدب المفید و المستفید**، قم: مکتب الإعلام الإسلامی، ۱٤۰۹ق.
۲۳. عمید، حسن، **فرهنگ عمید**، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۱.
۲٤. فوادیان‌دامغانی، رمضان، **سیمای عدالت در قرآن و حدیث**، قم: لوح محفوظ، ۱۳۸۲.
۲۵. کافمن راجر و هرمن جری، **برنامه‌ریزی استراتژیک در نظام آموزشی**، ترجمه: دکتر فریده

مشایخ و دکتر عباس بازرگان؛ انتشارات مدرسه، چهارم، ۱۳۸۷.

۲٦. لشکری، علی‌رضا، **مبانی عدالت اجتماعی در اسلام**، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۵.

۲۷. لویس معلوف، **المنجد: فی اللغه**، تهران: ذوی القربی، سی و هفتم، ۱۳۸۰.

۲۸. مجلسی، محمد باقر، **بحار الانوار: الجامعه لدرر اخبار الائمة الاطهار**، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.

۲۹. محمدی ری‌شهری محمد، **میزان الحکمه**، ج۱۲، تهران، درالحدیث، ۱۳۸۴ش.

۳۰. مصطفوی، حسن، **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، ج۱۳، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳٦۰.

۳۱. مظاهری حسین، **ویژگی‌های معلم خوب**، چ ۱۰، قم: نشر اخلاق، ۱۳۸۸.

۳۲. مولودی، حسین، علی‌رضا اعرافی ؛ مجید طرقی، بررسی قاعدهٔ فقهی علم نافع در تعلیم و تعلم، **دوفصلنامه علمی پژوهشی مطالعات فقه تربیتی**، دوره ۹۷، شماره ۱۰: ۱٦۲-۱۳۷، ۱۳۹۷.

۳۳. میرزامحمدی، محمدحسن؛ فرمهینی فراهانی، محسن؛ یوزباشی، علی‌رضا و زرین، لیلا، «شناسایی و اعتبارسنجی شاخص‌های استاد مطلوب دانشگاه اسلامی- ایرانی»، **نشریه فرهنگ در دانشگاه اسلامی**، زمستان ۱۳۹۲، دوره ۳، شماره ۹، صص ٥٦۳-٥۸٤.

۳٤. نراقی، ملا احمد، **معراج السعاده**، چ ۱۰، تهران: انتشارات دهقان، ۱۳۹٦.

۳٥. نویدی نیا حسین، کیانی غلامرضا، اکبری رامین، غفار ثمر رضا «طراحی شناسایی ملزومات و اجزای الگویی برای ارزش‌یابی معلمان زبان انگلیسی در دبیرستان‌های ایران» نشریه: **جستارهای زبانی**، دوره:٦، شماره:۲ (۲۳) صص :۲۳٥-۲٦٦، ۱۳۹٤.

۳٦. واعظی، احمد، نقد و بررسی نظریه‌های عدالت، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۸.

۳۷. واعظی، سید حسین و مؤذنی، پونه، «شمول قواعد فقه اسلامی در حقوق معلم و متعلم»، **نشریه پژوهش در برنامه‌ریزی درسی**، دوره ۱۱، شماره ٤۲، پاییز ۱۳۹۳.

۳۸. ورّام بن أبی فراس، **مجموعة ورّام (تنبیه الخواطر و نزهة النواظر)** قم: مکتبة الفقیه، ۱٤۱۰ق.
۳۹. وقور کاشانی، مهدیه سادات؛ حاجی حسین نژاد، غلام رضا؛ موسی‌پور، نعمت اللّه؛ ابراهیم‌زاده، عیسی؛ طراحی و اعتباریابی مدل مفهومی ارزش‌یابی صلاحیت‌های حرفه معلمی در ایران، **نشریه علوم تربیتی**، شماره ۱۰۹، پاییز و زمستان ۱۳۹۸.
٤۰. سایت مرکز پژوهش‌های مجلس: https://rc.majlis.ir/fa/law/show۹۲٥٤۱